

بررسی آسیب‌شناسانه ایرادات حاکم بر مطالعات شهر اسلامی^۱

کرامت‌الله زیاری^۲، احمد پوراحمد^۳، حسین حاتمی‌نژاد^۴ و بهزاد عمران‌زاده^۵
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱/۲۰، تاریخ تایید: ۱۳۹۲/۴/۷

چکیده

با نظر به حجم عظیم مطالعات صورت گرفته در زمینه‌ی "شهرهای اسلامی" طی یکصد سال اخیر؛ تعدد، تنوع و گاهی تناقض و تشتت نتایج حاصل از این مطالعات از یک طرف، و لزوم پاسخگویی صحیح به بسیاری از سوالات بی‌پاسخ موجود در این زمینه، از طرف دیگر؛ و همچنین ضرورت اقدام اصولی در راستای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی؛ آسیب‌شناسی مطالعات و پژوهش‌های سابق و استخراج نقاط قوت و ضعف این مطالعات را، ضرورتی انکارناپذیر کرده است، تا علاوه بر مرتفع کردن بخشی از مسائل فوق، با کمک به ارتقاء کیفی تحقیقات، پژوهش‌گران محترم را در فعالیت‌های آتی در این زمینه یاری کند. بر همین مبنا، پژوهش حاضر در نظر دارد، با هدف زمینه‌سازی برای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی، و با روش توصیفی - تحلیلی و اسنادی، اقدام به بررسی محتوای منابع موجود و در دسترس در زمینه مطالعات شهر اسلامی کرده و به تبیین و تحلیل آسیب‌ها و ایرادات مترتب بر این مطالعات پردازد.

کلیدواژگان: شهر اسلامی، مطالعات شهر اسلامی، مبانی نظری شهر اسلامی، ایرادات و آسیب‌ها.

۱. مستخرج از رساله دکترای بهزاد عمران‌زاده

۲. استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۳. استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۴. دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۵. دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسئله

روزگاری ماکس وبر (۱۹۱۹) اعلام کرد که وظیفه علم «افسون‌زدایی از جهان» است. چندی پیش بونس و هارتمن (۱۹۸۵) از افسون‌زدایی فزاینده از علم سخن گفتند (فلیک، ۱۳۹۰: ۱۴). منظور از افسون‌زدایی از علم، افسون‌زدایی از روش‌ها و یافته‌های آن است. امروزه تعدد روش‌های مورد استفاده و تعدد نظریات ارائه شده در حوزه‌های مختلف علمی و کثرت نتایج حاصل که گاه متناقض هم‌دیگر نیز هستند؛ ایجاب می‌کند که با یک نگاه جامع به ادبیات نظری حوزه‌های مختلف پژوهشی نگریده شود تا اولاً از پیچیدگی موضوع کاسته شده و از غرق شدن پژوهش‌گر در دریای اطلاعات، نظریات و نتایج مختلف خودداری گردیده و در گام دوم موجبات ارتقاء کیفی پژوهش‌ها را فراهم نماید.

این افسون‌زدایی در خصوص مطالعات شهراسلامی نیز صادق می‌باشد؛ بیش از یک سده است که موضوع شهر اسلامی به صورت نظام‌مند و تقریباً علمی، با اهداف گوناگون مورد توجه علاقه‌مندان، اندیشمندان و پژوهش‌گران مختلف قرار گرفته‌است. طی این دوره صدساله، حجم گسترده‌ای از مطالعات و پژوهش‌های متعدد در زمینه شهر اسلامی انجام گرفته و به تبع آن نظرات و دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است؛ که از نظریات اولیه‌ای که توسط ماسینیون (Massignon, 1920) و برادران مارسی (Marçais, W., 1928)، (Marçais, G., 1937) و نظرات نسبتاً تکمیلی که در همین راستا توسط له‌تورنه (Le Tourneau & Paye, 1935)، برونشویگ (Brunschvig, 1947)، لاپیدوس (Lapidus I., 1967)، (Lapidus I., 1973) و سایرین، ارائه شد؛ تا دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی که در دهه‌های اخیر توسط افرادی چون ابولوقد (Abu-Lughod, 1987)، حکیم (حکیم، ۱۳۸۱)، ریموند (Raymond, 2008) و دیگر محققین متقد ارائه شده‌اند؛ را شامل می‌شود.

یکی از مشکلات اساسی که در این زمینه وجود دارد و لازمه‌ی رفع آن، آسیب‌شناسی مطالعات مربوط به شهر اسلامی می‌باشد، تناقض‌ها و اختلاف‌نظرهای عمده و متناهی است که در کنار تعدد و حجم عظیم مطالعات بوجود آمده است. این شرایط، پژوهش‌گران این حوزه را دچار نوعی ابهام و سردرگمی کرده و گاه فهم و برداشت مناسب از موضوع شهراسلامی و مبانی آن را مشکل گردانیده است. «بی‌پاسخ ماندن بسیاری از سوالات مبنایی موجود در ارتباط با موضوع شهر اسلامی» (نوحی، ۱۳۷۵: ۳۴)، و عدم توان پاسخگویی آن به مسائل روز جامعه و عدم ارائه

رهیافت‌های اصولی، لزوم نگاه آسیب‌شناسانه به حوزه مطالعات شهر اسلامی را دوچندان می‌کند.

از دیگر دلایل نگاه منتقدانه به حوزه مطالعات شهر اسلامی و آسیب‌شناسی پژوهش‌های سابق، اهمیت و نقش این نگاه منتقدانه در تدوین مبانی نظری شهر اسلامی است. امروزه برخی از پژوهش‌گران دغدغه‌مند مسائل شهری (نقی‌زاده، ۱۳۹۲)، (شکرانی، ۱۳۸۷)، (عمران‌زاده، ۱۳۹۳) و ...، از ضرورت تدوین مبانی نظری شهر اسلامی در راستای ظهور و بروز و نمود شکل فضایی متناسب با تمدن توحیدی اسلام سخن گفته‌اند. بدیهی است که یک شالوده‌افکنی نوین بدون نگاه نقادانه نسبت به آثار گذشته و فهم نقطه قوت و ضعف آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. به عقیده دلاور: "پژوهش‌گری که قصد توسعه دانش خاصی را داشته باشد، ابتدا باید پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه آن دانش انجام شده است را شناسایی و مطالعه کند" (دلاور، ۱۳۸۷: ۹۷-۹۹). با نظر به مباحث فوق، در پژوهش حاضر سعی شده است با یک رویکرد منتقدانه به حوزه مطالعات و اقدامات صورت گرفته در زمینه شهر اسلامی نگاه شود؛ تا ضمن فهم مسائل این حوزه و آسیب‌شناسی مطالعات انجام شده، به استخراج ایرادات موجود در این مطالعات پرداخته شده و جدای از ضرورت‌های عنوان شده، روشنگر راه پژوهش‌های آتی گردد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، و در آن سعی گردیده است که با بهره‌گیری از روش اسنادی و تحلیل ادبیات موجود و پژوهش‌های صورت گرفته (بیش از پنجاه عنوان کتاب و مقاله)، و با یک نگاه منتقدانه به حوزه‌ی مطالعات شهر اسلامی نگریسته شود. بخش اصلی فرایند تحقیق حاضر شامل بررسی نمونه پژوهش‌های منتخب و مفهومیابی و جمع‌بندی و عنوان‌بندی موارد استخراجی با محوریت موضوع "ایرادات حاکم بر مطالعات شهر اسلامی" بوده است که نتایج حاصله در بخش یافته‌های تحقیق ارائه شده است. بدیهی است که جهت جلوگیری از تطویل کلام و ارائه مطالب در وسع یک مقاله، به ارائه عنوان ایرادات و آسیب‌های موجود و مقداری توضیح اکتفا شده است.

یافته‌های تحقیق

مطابق بررسی‌های صورت گرفته بر روی بخشی از منابع موجود در خصوص موضوع "شهر اسلامی" در این بخش از مقاله به ارائه نتایج حاصل از آسیب‌شناسی این مطالعات و بیان ایرادات موجود در پژوهش‌های مربوط به حوزه موضوعی شهرهای اسلامی پرداخته می‌شود. کاملاً واضح است که منظور از بیان ایرادات و آسیب‌های ذیل، تعمیم همه‌ی آن‌ها به تمامی مطالعات صورت گرفته نیست؛ بلکه، امکان این امر وجود دارد که پژوهشی فاقد ایراد و یا دارای برخی از موارد مذکور باشد. بیان ایرادات و آسیب‌های مترتب بر مطالعات شهرهای اسلامی یکی از اولین اقدامات اساسی در راستای افزایش کیفیت مطالعات آتی، بویژه در تدوین مبانی نظری متقن برای این شهرها می‌باشد. ایرادات و آسیب‌های استخراجی به شرح ذیل است.

• تسلط آراء غربی در حوزه مطالعات شهر اسلامی

یکی از ایرادات اساسی موجود در زمینه مطالعات شهرهای اسلامی، تسلط آراء و اندیشه‌های مستشرقین غربی در این زمینه است. این تسلط تا بدانجا رسید که عمده‌ی پژوهشگران شرقی و مسلمان جهت دستیابی به درک و فهم از شهرهای اسلامی و یا اعتباردهی به پژوهش‌های خود، به این اندیشه‌ها مراجعه می‌کنند. این امر یعنی گرفتار شدن در مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌هایی که بسیاری از آن‌ها تناسبی با واقعیت‌های زندگی جوامع مسلمان ندارد. آراء و اظهارنظرهای غربیان و مستشرقین بر جوامع علمی کشورهای مشرق‌زمین، چنان گسترده و همه‌جانبه است که حتی تشخیص صحیح داشته‌ها و متعلقات این جوامع را برای خودشان نیز دشوار می‌نماید. این سیطره در مقوله شهر و معماری و هنر و تاریخ و آثار تاریخی و حتی برخی مضامین دینی و ادبی و عرفانی نیز به شدت احساس می‌شود (ر.ک: آل‌احمد، ۱۳۴۱؛ سعید، ۱۳۶۱ و نقی‌زاده، ۱۳۸۹) به نقل از (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲). هیچ مطلب کلی که توسط ایشان (غربی‌ها) اظهار می‌شود از اینکه به عنوان حقیقت اعلام شود محروم نمی‌ماند (ادوارد سعید، ۱۳۷۷: ۹۴). در واقع، استیلای فرهنگی غرب بر جهان باعث نشر و انتقال داورها و تصویر ساخته و پرداخته این تمدن از تمدن اسلامی در سراسر حوزه نفوذ غرب شده است که این خود شاید عرصه را برای

انجام مطالعات مستقل و اظهارنظرهای فارغ از پیش‌داوری اعضای دیگر تمدن‌های بشری تنگ کرده است (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۶).

• جزئی، توصیفی و مقطعی بودن برخی از مطالعات

در مورد شهرهای قلمرو اسلام مطالعات مختلفی انجام شده، ولی ابعاد این تحقیقات مکمل یکدیگر نیستند و بحث‌ها صرفاً جزئیات را بصورت مستقل و جداگانه مورد بررسی و توجه قرار داده و رابطه این اجزا را با مجموعه کلی در نظر نگرفته‌اند. بخش مهمی از تحقیقات انجام شده در سطح توصیف باقی مانده‌اند، بررسی‌های صورت گرفته چندان تحلیلی نیستند و غالباً نگرش آن‌ها به شهر اسلامی، مقاطع خاصی از تاریخ و مکان‌های خاصی را دربرگرفته است (عبدالستار، ۱۳۷۶: ۱۱-۱۴) به نقل از (باقری، ۱۳۸۶: ۱۳). با وجود جزئی، توصیفی و مقطعی بودن این مطالعات، و عدم قابلیت تعمیم آن‌ها به کل جهان اسلام، تعمیم‌های صورت گرفته توسط مستشرقین باعث ساده‌انگاری در مورد شهرهای مسلمانان و گمراه کردن پژوهش‌های آتی با قطعی‌انگاری تعمیم‌ها شده است.

ادوارد سعید در ارتباط با توصیفات ظاهری و بدون پشتوانه‌ی فهم عمیق از شرق و خاورمیانه توسط مستشرقین، می‌گوید: «شرق‌شناسی برپایه توصیفی ظاهری و خارجی بنا گردیده است، یعنی بر مبنای این واقعیت که شاعر یا نویسنده شرق‌شناس، شرق را وادار به سخن گفتن می‌کند، شرق را توصیف و تبیین نموده و اسرار سر به مهر آن را برای غرب و در مقابل آن باز می‌نماید. وی هرگز به خود شرق، به استثنای اینکه اولین دلیل و علت سخن گفتن اوست، کاری ندارد» (ادوارد سعید، ۱۳۷۷: ۴۶). این بدین معنا می‌باشد که در شرق‌شناسی که مطالعات شهرهای اسلامی نیز جزوی از آن می‌باشد، شرق‌شناس بیشتر به دنبال تبیین مفروضات ذهنی خود و تایید دانسته‌های پیشینش بوده است؛ تا بررسی و تبیین چیزی که «وجود» داشته است.

• تک‌بعدی‌نگری، تعصبات و پیروی صرف از یافته‌های غربی

اشکالی که در بسیاری از آثار و مطالعات تاریخی وجود دارد، تک‌بعدی‌نگری به همراه نگرش کمی و ظاهری به قضایا و اتفاقات و تغییر و تحولات شهرها و معماری ایرانیان، قبل و بعد از

اسلام می‌باشد. این اشکال در فضاهای تعصبات ملی‌گرایانه افراطی که به‌ویژه بیگانگان یا کج‌فهمان سعی در تقویت و بزرگ‌نمایی آن داشته‌اند، با شدت بیشتر و وضعیت غیرعالمانه‌تری خود را می‌نمایاند. این تعصبات همواره با القانات مستشرقین تشدید شده است که البته خاص ایران نبوده و همه جوامع مشرق‌زمین را تحت‌تاثیر قرار داده است (نقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

نکته‌ی دیگری که در این زمینه وجود دارد تبعیت صرف بسیاری از محققین و پژوهش‌گران داخلی شهرهای اسلامی از نظریه‌پردازان و مستشرقین خارجی و حقیقت‌انگاری یافته‌ها و گفته‌های آنان است؛ تا جائیکه بسیاری از مطالبی که به اسم نتیجه‌ی پژوهش و تحقیق ارائه می‌گردد، چیزی جز تکرار گفته‌های مستشرقین و مطالب پژوهش‌های سابق نمی‌باشد. "الصیاد اعتقاد دارد، این واقعیت که پژوهشگران بومی به منابع اولیه و اصلی مسلمانان رجوع نکردند، ولی در ساخت علمی افسانه و نهادینه ساختن دانشی نادقیق در باب شهر اسلامی شرکت می‌کنند، بسیار غریب است" (فلاح، ۱۳۹۰: ۴۰). ادوارد سعید در آسیب‌شناسی از این مسئله، عنوان می‌کند که: "دانشجویان و استادان شرقی همیشه در آرزوی آن‌اند که ابتدا در زیر سایه شرق‌شناسان آمریکایی بنشینند و سپس همان کلیشه‌هایی را که من به مثابه احکام جامد شرق‌شناسی توصیف کرده‌ام به خورد مردم بدهند. بنابراین در روابطش با شرق‌شناسان اروپایی و آمریکایی که اربابان او هستند، او تنها یک "گزارش‌گر" بومی خواهد بود" (ادوارد سعید، ۱۳۷۷).

• تکرار کلیشه‌های مطالعات اولیه در توصیف شهرهای اسلامی

یکی از مهمترین ایرادات موجود در مطالعات و پژوهش‌های مربوط به شهر اسلامی، سایه افکندن یک‌سری پیش‌فرض‌های خاص متعلق به خوانش‌های اولیه از شهر اسلامی در حوزه مطالعات این شهرها و تبعیت از این پیش‌فرض‌ها توسط سایر پژوهشگران می‌باشد. این در حالی است که این پیش‌فرض‌ها در شرایط خاص زمانی و مکانی اوایل قرن بیستم و دوره استعمار ارائه گردیده و گاهی با اصل و واقعیت شهرهای اسلامی تناسبی ندارند. به عقیده الصیاد (۱۹۹۱) در متون نویسندگان و نظریه‌پردازان غرب در خصوص شهر در طول قرن گذشته، مفهوم "شهر اسلامی" همراه با کلیشه‌های خاصی در زمینه‌های مفهومی و شکلی مطرح شده است که بر خوانش بدون واسطه این گروه از شهرها سایه افکنده است (Alsyyad, 1991). آرا و اندیشه‌های بعدی نیز بر

پایه همین مطالعات اولیه شکل گرفته و تا حدی محدود به آن چارچوب‌های اولیه در زمینه توصیف شکل و عناصر شهری و یا متاثر از آن بوده است. از آنجایی که این مطالعات در ابتدا توسط پژوهشگران اروپایی و غیر بومی انجام شده، از شرایط کلی زمانی و اندیشه حاکم عصر متاثر بوده و گاهی فاصله بسیاری با اصل و واقعیت شهرها داشته است. اگر چه نظریه‌های نوین، این مطالعات را نقد کرده‌اند، اما آن‌ها نیز به گونه‌ای در همان مسیر اصلی باقی مانده‌اند (فلاح، ۱۳۹۰: ۳۶).

• شروع مطالعه شهرهای اسلامی با اهداف استعماری و تاثیرپذیری از دوره استعمار

مطالعات علمی درباره شهرهای مناطق شمال آفریقا و خاورمیانه برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، زمانی که تعدادی از کشورهای منطقه تحت استعمار کشورهای اروپایی قرار گرفتند، در میان پژوهشگران اروپایی شکل گرفت. (Raymond, 2005). در طول این دوره استعماری، شهرهای این مناطق به موضوعی مهم در میان پژوهشگران اروپایی تبدیل گشتند (Haneda, 1994)؛ به عقیده آندره ریموند (2005) متون موجود در ارتباط با مطالعات شهر اسلامی بیانگر تاثیر روح استعمار و نتیجه قضاوت‌های منفی‌گرایانه توسط مستشرقین می‌باشد. بسیاری از پژوهشگران نیز از قبیل (Haneda, 1994؛ Wirth, 1975؛ Abu-Lughod, 1987؛ Alsayyad, 1991) در این زمینه با ریموند هم‌نظر هستند (فلاح، ۱۳۹۰: ۳۶). از آنجائیکه هدف پژوهش، در روش بکاررفته و نتیجه آن تاثیر قطعی دارد؛ بنابراین مطلوب است که در پذیرش نتایج مطالعات دوره استعمار در مورد شهرهای اسلامی و بهره‌برداری از آن‌ها، با دقت و احتیاط لازم برخورد گردد.

• اسلامی‌انگاری شهرهای سابق مسلمانان (شهرهای دوره اسلامی)

بسیاری از پژوهشگران معاصر به تبعیت از کلیشه‌های سابق، با اسلامی‌انگاری شهرهای تاریخی ساخته‌شده و یا حتی تغییر یافته توسط مسلمانان، در تعریف شهر اسلامی ناخواسته به راه خطا رفته‌اند؛ البته گروهی از پژوهش‌گران معاصر با رویکرد نقادانه و ساختارشکنانه‌ای که در پیش گرفته‌اند، با رد موضوع فوق‌افق‌های جدیدی را در حوزه‌ی مطالعات شهر اسلامی به نمایش گذاشته‌اند.

واقعیت اینست که همان‌گونه که دکتر مومنی (۱۳۶۵) خاطر نشان کرده‌اند: "درست است که رگه‌های اسلامی اصیلی در شهرهای تاریخی مسلمانان وجود دارد ولی این شهرها هنوز به آن شکل ناب، خاص و اصیل خود دست نیافته‌اند". به کارگیری صفت «اسلامی» برای شهرهای تاریخی مسلمانان زمانی می‌توانست صحیح باشد که این شهرها و تمام عوامل شکل‌دهنده‌ی آن‌ها تولید مجرد دین اسلام باشند، این در حالی است که چنین شرایطی در گذشته به منصفه ظهور نرسیده است. بنابراین بنا به پیشنهاد برخی پژوهشگران عنوان‌های «شهر مسلمانان» و یا «شهر دوره اسلامی» تناسب بیشتری می‌تواند با واقعیت شهرهای تاریخی مسلمانان داشته باشد.

• نگاه نادرست به اسلام به عنوان قوه مقننه

در عمده مطالعات گذشته نگاه به اسلام به عنوان یک قوه مقننه‌ای بوده است که پیوسته در حال تحمیل قوانین و مقررات خود به مردم و محیط است. در واقع، "بسیاری از مطالعات در زمینه روشن کردن ابعاد اجتماعی اسلام، شکست خورده‌اند؛ زیرا به‌طور مثال آن‌ها توضیح نمی‌دهند که چرا و چگونه اسلام تعامل اجتماعی و حفظ حریم خصوصی را لازم می‌دانسته است. این مسئله موجب گردیده تا خوانندگان برخی از این تحقیقات به این نتیجه برسند که اسلام بیش از یک قوه مقننه نیست. درحالی که اسلام علی‌الخصوص در مذهب تشیع، یک راه زندگی با پیروی از آرمان‌های اجتماعی است. که بهره‌گیری از این آرمان‌ها در شکل‌گیری محیط ساخته شده منعکس خواهد شد؛ و اگر قوانین و مقرراتی وجود دارد، تنها برای حمایت از این آرمان‌ها، به‌وجود آمده‌اند" (اخوت، الماسی فر، و بمانیان، ۱۳۸۹: ۵-۶).

• فقدان تحلیل در عمده پژوهش‌های صورت گرفته

بسیاری از مقالات ارائه شده در حوزه مطالعات شهراسلامی صرفاً به پشت سرهم چیدن مطالب مقالات و کتاب‌های موجود اکتفا کرده و از ارائه تحلیل و تعمق در مطالب عنوان شده خودداری کرده‌اند. نکته‌ی مهمی که در این بین قابل ذکر است نوع نگاه محققان مسلمان، به مطالب عنوان شده توسط مستشرقین می‌باشد که عمدتاً به‌صورت وحی منزل و یک نظریه لاختا در نظر گرفته شده‌اند. بسیاری از مقالات و متون ارائه شده بیش از آنکه حاوی قول باشند شامل نقل قول هستند.

در واقع ادبیات حاکم بر مطالعات شهرهای اسلامی شامل مختصری یافته‌های علمی و مابقی حاصل بافته‌های ذهنی محققین و تقریض آنان بر نقل قول‌های گذشتگان می‌باشد. این امر زمانی خود را نشان می‌دهد که به‌عنوان مثال در مطالعه مجموعه مقالات یک همایش مرتبط، بعد از چند مقاله خواننده به اشباع نظری رسیده و مرتباً به مطالب و ارجاعات تکراری برخورد می‌کند.

• کینه‌توزی مستشرقین و نگاه تمسخر آمیز آنان به جهان اسلام

یکی دیگر از ایرادات اساسی که بیشتر متوجه آثار غربی‌ها در حوزه مطالعات شهرهای اسلامی است، و به تبع آن گاهاً در آثار پژوهش‌گران داخلی و مسلمان نیز منعکس گردیده است؛ نگاه تمسخرآمیز، از بالا به پایین، درجه‌ی دو و در مواردی نگاه کینه‌توزانه‌ی بسیاری از مستشرقین در آثارشان نسبت به جهان اسلام و مسلمانان می‌باشد؛ این نگاه که سابقه‌ی آن به دوران اولیه ظهور اسلام و توسعه قلمرو آن در مقابل جهان مسیحیت مربوط می‌شود، خود را در بررسی شهرهای سابق مسلمانان نیز به نمایش گذاشته است.

گالاتای در علت‌یابی این موضوع عنوان می‌کند: «ناخشنودی از شهرسازی اسلامی و نگرستن به اسلام به عنوان امپراتوری شیطانی با سقوط قسطنطنیه (استانبول) و پیش‌روی ترک‌های عثمانی و تهدید سرزمین‌های قلب اروپا، شدت و قوت گرفت». در قرن هجدهم که حاکمیت اسلامی و تهدید مسلمانان رو به ضعف نهاد، نگاه تلخ آکنده از تمسخر به جهان اسلام و سنت‌های اسلامی رواج یافت (گالاتای، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰).

در این زمینه، هاندا تاکید می‌کند که افرادی مانند برادران مارشه، ماسیون (۱۹۵۶) و برونشوویگ (۱۹۴۷) پس از بررسی ویژگی‌های شهرهای مسلمانان، آگاهانه یا ناآگاهانه تلاش کردند همه آن‌ها را زیرمجموعه نام‌هایی مانند «شهر اسلامی»، «شهر مسلمان» و «قانون مسلمان» جای دهند. او اشتباه بزرگ این گروه از پژوهشگران و شرق‌شناسان را تلاش همیشگی آن‌ها برای نشان دادن و پررنگ کردن تضاد بین شهرهای اروپایی و شهرهای دنیای اسلام، براساس چارچوب‌های نظریه‌هایی چون آرای ماکس وبر و پیش‌زمینه‌های ذهنی چون برتر دانستن «اروپای پیشرفته» نسبت به «دنیای راکد اسلام» می‌داند (فلاحت، ۱۳۹۰: ۴۱).

همانند گالاتنای پژوهشگران دیگر غربی^۱ هستند که به این نگاه نادرست بسیاری از مستشرقین و غربی‌ها اذعان دارند، برای نمونه هیلن براند (۱۳۷۷) که از مجذوبین معماری اسلامی است، در این ارتباط چنین عنوان می‌کند: "واضح است که معماری اسلامی تا حد زیادی قربانی رفتارهایی است که در دیدگاه کلی غرب نسبت به جهان اسلام ریشه دارد" (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۹). به اعتقاد مورینی و اسلامی (۱۳۷۵) تا قرن پیش، مطالعات اروپایی در باب تاریخ شهر، عملاً نمونه‌های متعلق به دیگر فرهنگ‌ها را نادیده می‌گرفت. در مورد شهرهای عربی - اسلامی نیز همین صادق بود و با آن‌ها به گونه‌ای رفتار می‌شد که گویی تجسم زوال و رکودند. شهر اسلامی به نوعی «ضد شهر» تبدیل شد (اسلامی و مورینی، ۱۳۷۵: ۲۰-۲۱).

کرامر، سیاستمدار انگلیسی با تبعیت از همین نگاه توهین‌آمیز، در کتاب خود با عنوان «مصر جدید» در مورد شرقی‌ها و مسلمانان این چنین قضاوت می‌کند: "کمبود و نقص دقت، که به سهولت به دروغ‌گویی و عدم صحت عمل می‌انجامد، در واقع سنجیه یک ذهن شرقی است. ذهن یک انسان شرقی، مثل خیابان‌های بدیع سرزمینش، به نحو بارزی فاقد تقارن و تناسب است. استدلال او عملاً یک توصیف کاملاً نامربوط است. شرقی‌ها نمی‌توانند روی یک جاده و یا پیاده‌رو راه بروند، زیرا که افکار و اذهان مخدوش ایشان از درک آنچه که اروپائیان هوشمند بلافاصله درک می‌کنند، عاجز است. شرقی‌ها دروغ‌گویان کهنه‌کاری هستند، ایشان دچار بی‌حالی و سنگینی و نیز بدگمانی‌اند و در همه موارد در مقابل روشنی و وضوح، مستقیم بودن و نجابت و اصالت نژاد آنگلساکسون قرار دارند" (ادوارد سعید، ۱۳۷۷: ۷۴-۷۵). سعید در ریشه‌یابی این نوع قضاوت، که پشتوانه مسجّل فکری مستشرقین بوده است؛ عنوان می‌کند: "گناه اصلی این است که فرد شرقی یک شرقی (یعنی غربی نیست) است".

۱. ویلیام ویستون جانشین نیوتن در کمبریج، به دلیل علاقه و اشتیاقی که نسبت به اسلام داشت در سال ۱۷۰۹ م. از کمبریج اخراج گردید.

• سلطه و استیلای رویکرد وبری در شهرشناسی سرزمین‌های اسلامی

یکی از آسیب‌هایی که بسیاری از مطالعات شهرهای اسلامی دچار آن شده‌اند، مبنا قرار دادن نظریه ماکس وبر در شهرشناسی کشورهای اسلامی و بی‌چون‌وچرا دانستن آن می‌باشد. "ماکس وبر که نظراتش بر پایه شهر اروپایی استوار است، پیشنهاد کرده است که وجه تمایز هر شهر وجود برج و بارو، بازار، دادگاهی بر اساس قوانین کم‌وبیش مستقل، اشکال شهری انجمن‌های صنفی و حداقل استقلال نسبی شهر باشد" (کاستللو، ۱۳۷۱: ۳۶).

معیار قرار دادن نظریه وبر موجب آن گردید تا در بسیاری از مطالعات خارجی و در ادامه آن در مطالعات داخلی صورت گرفته، شهرهای سرزمین‌های اسلامی در مقابل شهرهای غربی، به دلیل نداشتن عناصری چون نظام حقوقی و اتحادیه‌های صنفی و استقلال نسبی همسان با شهرهای غربی، مورد نکوهش شدید قرار گیرد. در واقع پژوهشگران "شهر اسلامی را نه از طریق آنچه که هست بلکه به کمک آنچه که نیست توصیف کرده‌اند" (جعیط، ۱۳۷۲: ۱۶۳). این در حالی است که در مورد وجود یا عدم وجود این عناصر در شهرهای سرزمین‌های اسلامی نظریات متعددی ارائه شده و بگونه‌ای است که نمی‌توان نظر قطعی و یکسانی را ارائه کرد. علاوه بر این خود شهر غربی ادعایی وبر نیز، در جهان غرب همه‌گیر نبوده و به اذعان برخی محققین (دانتون: ۱۹۸۹)، وبر در بیان اهمیت عناصر عنوان شده و وجود یا عدم وجود آن‌ها دچار مبالغه شده است. نگاه به شهرهای اسلامی از پنجره رویکرد وبری یک تصویر تیره و تاری از شهر اسلامی به دست می‌دهد که با بسیاری از واقعیت‌های این شهرها تناسبی ندارد.

• عدم توجه به اعتباری بودن ارزش نمونه‌های بدیع سابق

یکی دیگر از ایراداتی که عمدتاً در مطالعات شهرهای اسلامی و بررسی فضاها شهری اسلامی - تاریخی به چشم می‌خورد، مطلق‌انگاری ارزش اسلامی این نمونه‌ها و الگو گرفتن از آن‌ها در فهم شهر اسلامی می‌باشد. این در حالی است که ساخت‌های گذشته را نمی‌توان قواعد و اسلوب‌های جاودانی اسلام تلقی کرد و مورد تقلیدهای سطحی قرار داد، چه برسد به آنکه آن‌ها را مجموعه‌ای سیستمی و منسجم و ناب بر اساس جهان‌بینی اسلامی معرفی کرد. این میراث گرچه نمودار تمدن و فرهنگ و هنر مسلمانان و برخوردار از جلوه‌ها و بارقه‌هایی از اندیشه‌های ناب اسلامی است، اما

کم و بیش از تاریخ ملی و تمدن مناطق و سرزمین‌های گوناگون متأثر شده و اشکال گوناگون و کاملاً متنوعی را به وجود آورده است (نوحی، ۱۳۷۵: ۳۷). به نظر می‌رسد، در گستره‌ی این تنوع و چندگونگی، گزینش چند نمونه خاص و تعمیم ارزش‌ها، اصول و قواعد آن‌ها به همه شهرهای سابق مسلمانان و الگو فرض کردن آن‌ها، صحیح نبوده و نمودار تمامی داشته‌های همه‌ی شهرهای تاریخی اسلامی نباشد.

اعتباری دانستن ارزشمندی این نمونه‌ها و عدم مطلق‌نگاری آن، حاصل عدم اشراف کامل محقق به تمامی اصول و قواعد این نمونه‌ها و منشاء این اصول و قواعد و فهم ناقصی است که از ارزش‌های آرمانی وجود دارد. در اصل، زمانی می‌توان ساخت شهرهای سنتی مسلمانان و نمونه‌های حائز ارزشمندی انتساب به اصول اسلامی دانست که طبق پژوهش علمی دقیق اصول و معیارهای اسلامی در باب شهرسازی استخراج و با اصول رعایت شده در شهرهای موسوم به اسلامی تطبیق داده شود تا در صورتی که مطابقتی بین این اصول بود به بیان چنین نکته‌ای پرداخته شود. بدیهی است که هرچقدر اصول و ارزش‌های آرمانی اسلام در حوزه‌ی شهرسازی به واسطه‌ی مدافه‌های عالمانه از شفافیت بیشتری برخوردار باشد، فهم ارزش واقعی نمونه‌های سابق نیز سهل‌تر خواهد گردید.

• عدم روش‌مندی و فقدان روش تحقیق مناسب

یکی از ایرادات اساسی که در مطالعات شهر اسلامی کاملاً مشهود بوده، عدم پیروی از یک روش تحقیق علمی و فرایند روش‌شناسی صحیح در بسیاری از این مطالعات است. بررسی بسیاری از مقالات منتشر شده در مجموعه مقالات همایش‌های ملی و بین‌المللی و مقالات برخی مجله‌های علمی در این زمینه نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از این مقالات حتی فاقد بخش روش تحقیق می‌باشند. در بسیاری از مقالاتی هم که گاه‌آ از عنوان روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است، بررسی محتوای این مقالات نشان‌دهنده‌ی فقدان هیچگونه توصیف و یا تحلیل جدیدی از موضوع می‌باشد به طوری که عمده‌ی مطالب آن‌ها از کنار هم چیدن مطالب مقالات و کتاب‌های سابق تشکیل شده است.

• **سلیقه‌ای بودن ادراکات و برداشت‌های صورت گرفته از منابع دینی**

این ایراد عمدتاً شامل بخشی از مطالعات و پژوهش‌هایی است که به دنبال استخراج اصول و مبانی شهر اسلامی از منابع اصیل دین اسلام چون قرآن و سنت می‌باشند. ریشه‌ی اصلی این ایراد برمی‌گردد به ایراد فقدان روش تحقیق مناسب. در واقع این پژوهش‌ها در فقدان یک روش تحقیق کیفی مناسب و در کنار آن بدون بهره‌گیری از خبرگان امر در مسائل دینی، اقدام به بررسی متون دینی کرده و گاهاً دچار برداشت‌های سطحی و سلیقه‌ای از این منابع می‌گردند. در واقع به قول دکتر شکرانی (۱۳۸۷) «کشف مدالیل معانی ذخیره شده در کان عظیم قرآن به هر شکل و به هر وسیله‌ای و سلیقه‌ای نمی‌تواند درست باشد. جهت جلوگیری از استخراج معانی نادرست و ناصواب، باید بر ضرورت روش کشف درست معانی و مفاهیم قرآن و به تبع آن روایات، قبل از هر برداشتی تاکید نمود؛ چرا که تنها روش درست است که همواره منجر به نتایج درست می‌شود» (شکرانی، ص ۲۴۰).

• **عدم شناخت دقیق از مبانی بنیادی دین اسلام**

این ایراد بیشتر متوجه مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده توسط مستشرقین می‌باشد. «بیشتر مطالعات انجام شده توسط شرق‌شناسان، متأسفانه یک تحلیل درست و ناظر بر شهر اسلامی را از خود برجای نگذاشته‌اند. دلیل این امر را شاید بتوان در عدم شناخت کافی ایشان از مبانی بنیادی دین اسلام و منابع اصلی جهان‌بینی اسلامی دانست. ممکن است یک شرق‌شناس غربی، در تحلیل خویش از جوامع و شهرهای اسلامی، از مولفه‌های مترتب بر جامعه خویش استفاده کند که نتایج آن به‌طور قطع، شهرها و جوامع اسلامی را آنگونه که هستند معرفی نخواهد کرد (فرجام، سلیمانی مقدم و چاوشی، ۱۳۹۰: ۲۸). در واقع نتیجه‌ی پژوهش پژوهش‌گران غربی عمدتاً دارای دو خطای عمده است که عبارتند از خطای حاصل از عدم شناخت بر مبانی اسلامی و دیگری خطای حاصل از حجاب دانش آن‌ها در مورد شهر غربی و نظاره شهرهای اسلامی از پنجره‌ی غرب‌گرایی و متون سابق شرق‌شناسی.

• نگاه تقدس‌مآبانه، غیرواقعی و افسانه‌ای به شهرهای اسلامی

یکی از ایراداتی که در برخی پژوهش‌های مرتبط با شهرهای اسلامی به چشم می‌خورد، نگاه تقدس‌مآبانه، غیرواقعی و افسانه‌ای به این شهرها می‌باشد. در مواردی، این نگاه تا بدانجا غلبه دارد که متون علمی مربوطه حالت و هیبت متون ادبی به‌خود می‌گیرند. این در حالی است که در یک بررسی ساده می‌توان به این نتیجه رسید که این مطالب، نه مستخرج از منابع دینی هستند و نه واقعیت شهرهای گذشته در سرزمین‌های اسلامی با آنها تطبیق دارد.

نکته‌ای که در این پژوهش‌ها و مقالات مشخص است، دچار شدن به نوعی حیرت گذشته‌گرا و سلب‌نظر از کارکرد روزمره تحقیقات مربوطه می‌باشد. در برخی از پژوهش‌هایی که دارای نگاه تقدیس‌گرایانه و افسانه‌ای نسبت به شهرهای تاریخی اسلامی هستند، گاه یک‌سری صفات و ویژگی‌ها بدون ارائه مستندات خاص تاریخی، در مورد این شهرها پشت سرهم لیست می‌گردند؛ بطوری‌که خواننده را در ارتباط با صحت و سقم آنها دچار تردید و ابهام می‌گرداند. در جدول زیر به نمونه‌ای از موارد فوق اشاره می‌گردد.

جدول ۱: نمونه‌ای از نگاه تقدس‌مآبانه، غیرواقعی و افسانه‌ای به شهرهای اسلامی در تحقیقات سابق

نوع مطلب	نمونه
اغراق در بیان تأثیرات فرهنگ دینی	برای بنیان و ساکنان شهر اسلامی، شهر به منزله انعکاس ارزش‌های اسلامی است. گذشته از تمام گوناگونی‌های متأثر از عوامل طبیعی، شهر در اسلام غرق در ایمانی واحد است و در حالی که معیارها و قوانین زندگی بر آن حاکم و مسلط است. در این شرایط عوامل و اصول منبعث از فرهنگ دینی، شبکه قدرتمندی را ایجاد می‌کند که در صورت تعارض با عوامل بیرونی، به طرد و حذف آن پرداخته، جایگزین دیگری را برای آن می‌طلبد و یا آن‌که در صورت امکان آن را جذب و تعدیل می‌کند.
اغراق در بیان تطوّر تعالی شهر	در جهان‌بینی با انتظام جامعه سنتی، انسان میان دریافت خویش از عالم و دیدگاهش نسبت به خویشتن در حرکت است. دریافت او از شهر در نیمه راه این دو قطب واقع است و اصول نمادین هر دو دیدگاه را یکی می‌سازد. شهر در سلسله مراتب مفهوم یا تعین فضایی، شکل مثبتی است که میان دستگاه مختصات اصلی فضا قرار گرفته است. کیهان، شهر و انسان به یک اندازه تعیین یافته‌اند. این سه مقیاس، چه جدا و چه یک‌جا، از جنبه نشأت مثالی خود، متعین و دیرپای و تمام و کمال هستند. شهر در وجود عنصری یا این‌جهانی، درجه به درجه به وجود مثالی خود نزدیک می‌شود. اهمیت دست‌آورد تصویری‌اش در توانایی اوست به این که حال و هوای ذاتی یک مکان با انتظام در عالم را به وجود آورد.
احساسات القائی شهر	شهر اسلامی به تبع آیه‌گرایی و ابعاد تمثیلی‌اش دارای ارزش‌های کیفی و کالبدی می‌گردد و بدین‌گونه ضرایب پویای معماری سنتی و اسلامی همواره به تفکر و احساس پیوسته می‌گردد و همراه با افکار، تخیلات و احساسات درونی انسان دگرگون می‌شود و معانی و مفاهیم خود را ابدی می‌نماید. بدین جهت است که در فهم و بیان ضرایب دستور آن اشکال، دارای معانی و مفاهیم خاصی می‌گردد که گویای ادراک انسان از جهان مادی و معنوی است. هر گوشه این شهرها دارای احساسی متفاوت و متنوع است. احساس آرامش، تواضع، تفکر، عظمت، نوآوری، تحسین، زیبایی و ...
اصول شهر اسلامی	در شکل‌گیری و نحوه استقرار شهر اسلامی و چگونگی روابط اجزای تشکیل‌دهنده آن اصول سلسله‌مراتب، کثرت، وحدت، تمرکز و عدم تمرکز، تجمع، تباین، اتصال، توازن، تناسب، تداوم، قلمرو، سادگی، پیچیدگی، ترکیب، استقرار، زمان و ایجاز حاکم است.
انتساب صفات متنوع و نوع تجدید حیات شهر	طی چهارده قرن گذشته، شهرهای اسلامی به حیات، خلاقیت، توانمندی و بازسازی خویش ادامه دادند و بر بحران‌های مختلف فائق آمدند. این شهرها بر فراسوی شعاعی گسترده از طریق بنیادهای جدید احیاء شدند و بروز آن‌ها از طریق سیستم‌های جدید شهری تحقق یافت.
ارزش‌های شهر تاریخی	شهرها و معماری تاریخی ایران واجد و تجلی‌گاه ارزش‌هایی چون امنیت، ارتباط با طبیعت، تذکردهی، تواضع، هویت، حد و حریم، همزیستی با طبیعت، هدایت، اصلاح، تقوا، کمال‌گرایی، احتراز از کبر، ارجحیت معنویت بر مادیت، میانه‌روی، حیا و امثالهم بوده‌اند.
توصیف زیبایی شهر اسلامی	در شهر اسلامی خیری از آشفتگی فضاها که نشان از روح مادی و ناآرام پدیدآورنده آن دارد نیست. شهر اسلامی زیبایی را در سادگی، اخلاص و تعادل می‌بیند و لذا حجم‌های پیچیده، روابط ناسالم و پرمعضل کاری و هرآنچه که آزاردهنده روح و ذهن انسان است در آن جایی ندارد. تعادل در رنگ‌ها، تعادل در تناسبات بصری، تعادل در اصوات موجود در فضا از دیگر نشانه‌های این شهر است. و درنهایت اینکه شهر اسلامی، شهر زیبایی‌هاست. چرا که در طرح و ساخت جزء جزء آن، همواره یاد خدا در ذهن‌ها متبلور است. شهر اسلامی شهر زیبایی‌هاست، چرا که زیبایی چه از نظر درون و چه از نظر ظاهری در تمامی صفات شهر اسلامی نهفته است.

منبع: (نگارنده، ۱۳۹۳) به نقل از: (دانش، ۱۳۸۹: ۱۸)، (اردلان و بختیاری، ۱۳۸۰: ۷۹)، (هاشم‌نژاد، ۱۳۷۴: ۵۰)، (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۷) و (نقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹۲)، (رفیقدوست و شهبان، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

نتیجه‌گیری

طی یک قرن اخیر مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌ای توسط اندیشمندان و پژوهش‌گران مختلف داخلی و خارجی، در ارتباط با موضوع شهر اسلامی صورت گرفته است. طی این دوره، با نظر به تعدد رویکرد محققان مختلف، حجم گسترده‌ای از دانش تولید گردیده است، که لازمه‌ی بهره‌برداری صحیح از آن‌ها، استخراج رهیافت‌های لازم برای مسائل معاصر شهرها و همچنین شالوده‌افکنی مبانی نظری جامع شهر اسلامی، نگاه منتقدانه و آسیب‌شناسانه به این مطالعات می‌باشد. با نظر به نکات فوق، پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی مطالعات مرتبط با موضوع شهر اسلامی، اقدام به استخراج ایرادات اساسی حاکم بر این مطالعات کرده است. در نتیجه‌ی بررسی‌های صورت گرفته مهم‌ترین ایرادات مترتب بر تحقیقات و پژوهش‌های فوق عبارتند از:

تسلط آراء غربی در حوزه مطالعات شهر اسلامی، جزئی، توصیفی و مقطعی بودن برخی از مطالعات، تک‌بعدی‌نگری، تعصبات و پیروی صرف از یافته‌های غربی، تکرار کلیشه‌های مطالعات اولیه در توصیف شهرهای اسلامی، شروع مطالعه شهرهای اسلامی با اهداف استعماری و تاثیرپذیری از دوره استعمار، اسلامی‌انگاری شهرهای سابق مسلمانان (شهرهای دوره اسلامی)، نگاه نادرست به اسلام به‌عنوان قوه مقننه، فقدان تحلیل در عمده پژوهش‌های صورت گرفته، کینه‌توزی مستشرقین و نگاه تمسخرآمیز آنان به جهان اسلام، سلطه و استیلا رویکرد وبری در شهرشناسی سرزمین‌های اسلامی، عدم توجه به اعتباری بودن ارزش نمونه‌های بدیع سابق، عدم روش‌مندی و فقدان روش تحقیق مناسب، سلیقه‌ای بودن ادراکات و برداشت‌های صورت گرفته از منابع دینی، عدم شناخت دقیق از مبانی بنیادی دین اسلام، نگاه تقدس‌مآبانه، غیرواقعی و افسانه‌ای به شهرهای اسلامی.

کتاب‌شناسی

۱. ابراهیمی، م (۱۳۷۵)، مدخل بحث درباره شهر اسلامی، آبادی، صص ۱۲-۱۹؛
۲. ابولوود، ژ (۱۳۸۳)، یک شهر اسلامی چگونه شهری است؟ پاره‌ای تاملات تطبیقی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرنشینی در اسلام-۱۹۸۹، دفتر مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو-ژاپن، مترجم: مهدی افشار، دفتر پژوهش‌های فرهنگی؛
۳. اخوت، ه؛ الماسی‌فر، ن؛ بمانیان، م (۱۳۸۹)؛ معماری و شهرسازی سنتی در شهرهای اسلامی، انتشارات هله، تهران.
۴. ادوارد سعید (۱۳۷۷)، شرق‌شناسی، مترجم: گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران؛
۵. اسلامی، ع؛ مورینی، م (۱۳۷۵)، پرسش پژوهشگران غربی از هویت شهر اسلامی، مترجم: محمدی، آبادی، سال ششم، صص ۲۰-۲۷؛
۶. ایازی، س. ع (۱۳۸۷)، تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تاکید بر متون دینی، نخستین همایش آرمانشهر اسلامی، اصفهان، دانشگاه اصفهان؛
۷. باقری، ا (۱۳۸۶)، نظریه‌هایی درباره شهرهای قلمرو و فرهنگ اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران؛
۸. بنه ولو، ل (۱۳۶۹)، تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی، مترجم: موحد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران؛
۹. جعیط، ه (۱۳۷۲)، کوفه، پیدایش شهر اسلامی، مترجم: سروقد مقدم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد؛
۱۰. حکیم، ب. س (۱۳۸۱)، شهرهای عربی اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی، مترجم: ملک احمدی و اقوامی مقدم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران؛
۱۱. خدایی، ز؛ تقوایی، ع (۱۳۹۰)، شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تاکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، صص ۱۰۳-۱۱۳؛
۱۲. دانتون، م (۱۳۸۳)، مفهوم اجتماعی مکان: شهر در غرب و جهان اسلام، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرنشینی در اسلام-۱۹۸۹، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو-ژاپن، مترجم: مهدی افشار، مرکز پژوهش‌های فرهنگی، تهران؛
۱۳. دانش، ج (۱۹۸۹)، مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، صص ۱۵-۳۱؛
۱۴. رفیق‌دوست، ر؛ شهبان، پ (۱۳۸۷)، درآمدی بر شناخت وجوه زیبایی در قرآن با تاکید بر تجلی جمال توحیدی در صفات شهر اسلامی، پژوهش دینی، ۱۳۹-۱۶۰؛

۱۵. شکرانی، ر (۱۳۸۷)، مهندسی فرهنگ اسلامی در مولفه‌ها و ویژگیهای شهر اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان، دانشگاه اصفهان؛
۱۶. شکویی، ح (۱۳۷۹)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران؛
۱۷. عمران زاده، ب (۱۳۹۳)، تبیین عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلام (مطالعه موردی کلان شهر تهران)، استاد راهنما: کرامت‌الله زیاری، رساله دکتری، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران؛
۱۸. فرجام، ر؛ سلیمانی مقدم، ه؛ چاوشی، ا (۱۳۹۰)، مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، صص ۲۷-۴۰؛
۱۹. فلاحت، س (۱۳۹۰)، بر ساخت مفهوم شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۳۵-۴۴.
۲۰. فلیک، ا (۱۳۹۰)، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، مترجم: جلیلی، نشر نی، تهران؛
۲۱. کاستللو، و (۱۳۷۱)، شهرنشینی در خاورمیانه، مترجم: پیران؛ رضائی، نشر نی، تهران؛
۲۲. گالاتای، ا (۱۳۸۳)، کلانشهرها و هویت اسلامی در جستجوی بقا، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرنشینی در اسلام-۱۹۸۹، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو-ژاپن، مترجم: مهدی افشار، مرکز پژوهشهای فرهنگی، تهران؛
۲۳. نقی‌زاده، م (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی، عینیات و تجلیات، انتشارات مانی، اصفهان؛
۲۴. نقی‌زاده، م (۱۳۹۲)، تاملاتی در مبادی شهر اسلامی در متون و تاریخ، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۸، صص ۴-۱۵؛
۲۵. نقی‌زاده، م (۱۹۸۹)، تاملی در چیستی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره اول، صص ۱-۱۴؛
۲۶. نوحی، س (۱۳۷۵)، ساخت شهر و گفت‌وگو دینی، آبادی، سال ششم، صص ۳۴-۳۹؛
۲۷. هیلن براند، ر (۱۳۷۷)، معماری اسلامی، مترجم: اعتصام، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران؛
28. Abu-Lughod, J. (1987), The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance. *International Journal of Middle East Studies*, 19, 155-176;
29. Abu-Lughod, J. L. (1987), The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance. *International Journal of Middle East Studies*, 19, 155-176;
30. Brunschvig, R. (1947), Urbanisme médiéval et droit musulman. *Revue des Etudes Islamiques*, 127-155;
31. Lapidus, I. (1967), *Muslim Cities in the Later Middle Ages*. Cambridge: University of Cambridge;
32. Lapidus, I. (1973), The Evolution of Muslim Urban Society. *comparative studies in society and mstory*, 15, 21-50;
33. Massignon, L. (1920), *Les corps de métiers et la cité islamique*. *Revue Internationale de Sociologie*;
34. Neglia, G. (2008), some historiographical notes on the islamic city with particular reference to the visual representation of built city. In s. k. Jayyusi, R. Holod, A. Petruccioli, & A. Raymond, *The City in the Islamic World* (Vol. 2, pp. 3-46). Leiden, Netherland: BRIL;
35. Raymond, A. (2008), THE SPATIAL ORGANIZATION OF THE CITY. In s. k. Jayyusi, R. Holod, A. Petruccioli, & A. Raymond, *The City in the Islamic World* (pp. 47-70). Leiden: Brill.